



تصميم

- ✎ Ursula Nafula
- 👤 Vusi Malindi
- 💬 Marzieh Mohammadian Haghighi
- 🗣️ persisk
- 📊 nivå 2



دِهکده ی مَن مُشکلاتِ زیادی داشت. ما مَجبور بودیم که بَرای
بُرَدنِ آب از یک لوله در یک صَف طولانی بایستیم.

ما دَرِ خانه هایمان را به خاطرِ دزدانِ زود قفل می‌گردیم.

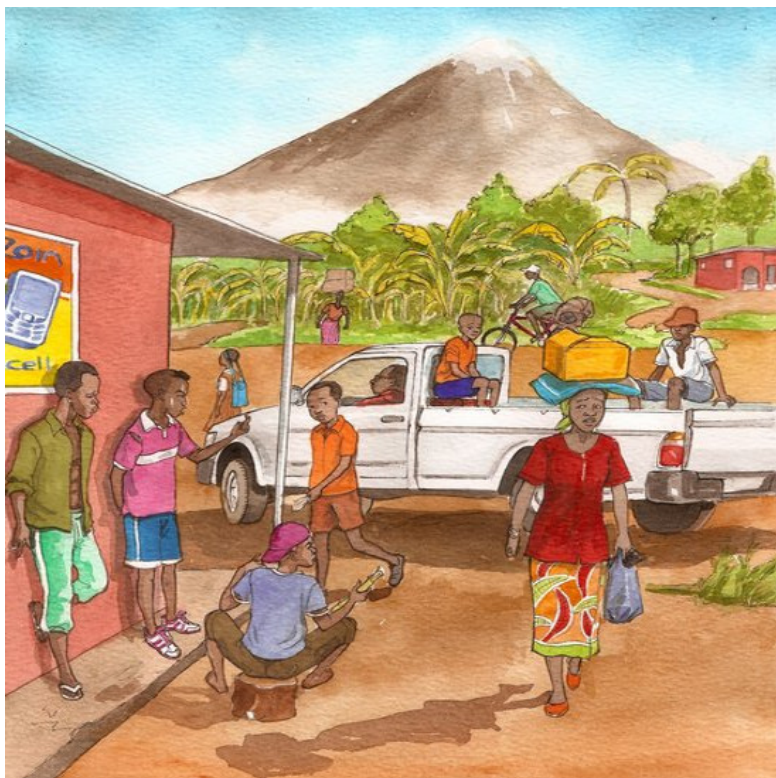


خیلی از بچه ها از مدرسه محروم می ماندند.



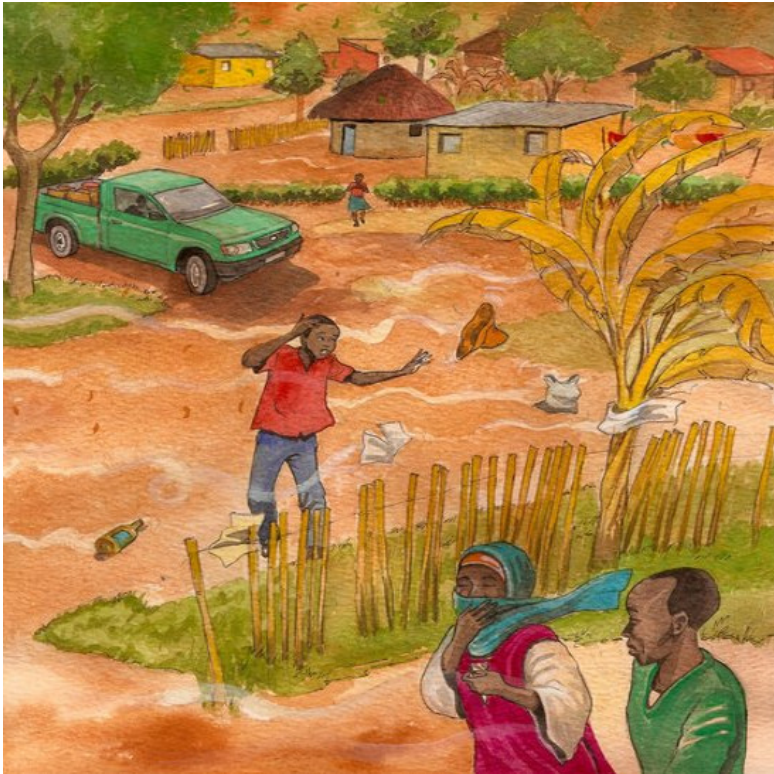
دُخترانِ جوانِ به عنوانِ پیشخدمتِ در روستاهایِ دیگر کار
می‌کردند.

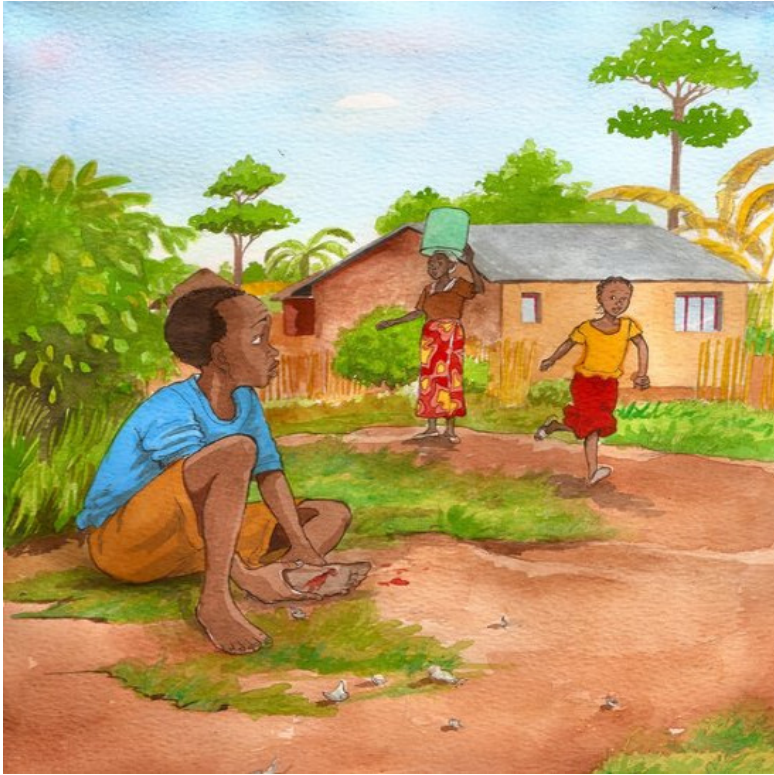




پسرای جوان در اطراف دهکده پرسیه می‌زدند در حالیکه دیگران روی زمین‌های کشاورزی مردم کار میکردند.

وَقْتِي كِه بَاد مِي وَزِيد، كَاغْذِهَائِي بَا طِيلِه رُوِي دِرْخْتَان وَ
جِصَارِهَا آوِي زَان مِي شُدَنْد.





گاهی اوقات به خاطر خُرده شیشه هایی که از روی بی
احتیاطی روی زمین ریخته شده بود دست و پای مردم دُچارِ
بُریدگی می شد.

پک روز، آب لوله خشک شد و ظرفهای آب ما خالی ماند.

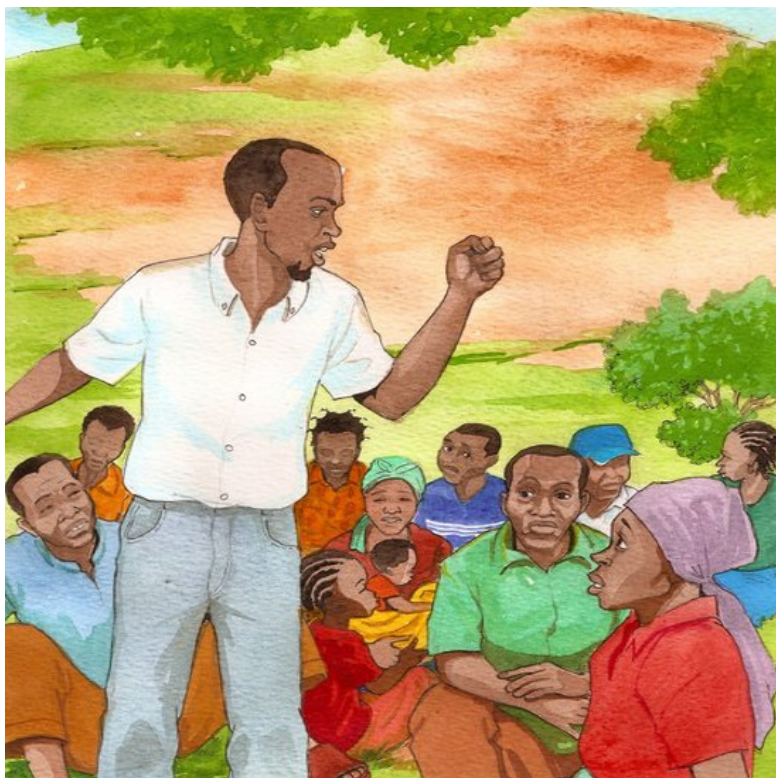




پَدْرَم به تَك تَك خانه ها رَفْت وَ اَز مَرْدُم خواست كه دَر جَلِيسِه
ي دِهكده بَشِرَكْت كُنند.

مردم زیر یک درخت بزرگ جمع شدند و گوش کردند.





پَدْرَم ايسْتاد وَ كُفْت: ما نياز داريم كه با هم كار كنيم تا
بِتوانيم مُشكلاتِمان را حل كنيم.

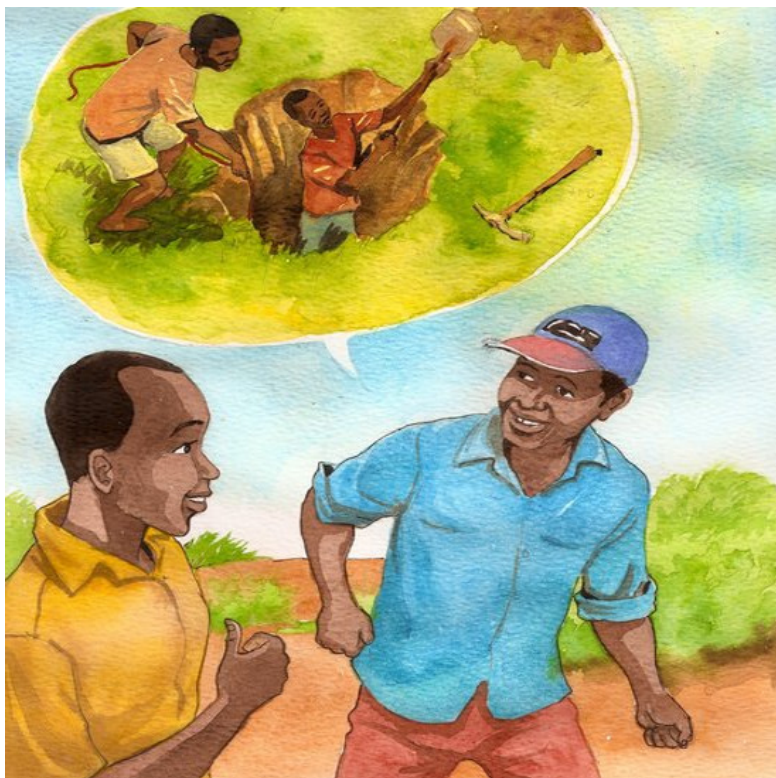


جومایِ هشت ساله، رویِ یک کُنده یِ درختِ نیشسته بود و داد
زَد: مَنْ می‌توانم درِ نِظافتِ کردنِ کُمکِ کُنم.



یک خاتم گفت: زنها می توانند در کاشتن محصولات غذایی با
من همراهی کنند.

مرد دیگر ایستاد و گفت: مردها می‌توانند چاه بکنند.





همه ما یک صدا فریاد زدیم: ما باید زندگیمان را تغییر دهیم.
از آن روز به بعد همگی با هم کار کردیم تا مشکلاتمان را حل
کنیم.



Barnebøker for Norge

barneboker.no

تصميم

Skrevet av: Ursula Nafula

Illustret av: Vusi Malindi

Oversatt av: Marzieh Mohammadian Haghighi

Denne fortellingen kommer fra African Storybook (africanstorybook.org) og er videreformidlet av Barnebøker for Norge (barneboker.no), som tilbyr barnebøker på mange språk som snakkes i Norge.

Dette verket er lisensiert under en Creative Commons
[Navngivelse 4.0 Internasjonal Lisens](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).